

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۵۲

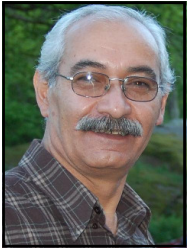
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تاشن تماس با ما

۱۴ آبان ۱۳۹۳، ۵ نوامبر ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

توقع انسانگرایی از ناسیونالیسم توهمی بیش نیست!



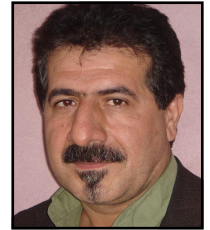
عبدال گلپریان

اول نوامبر بعنوان روز جهانی حمایت از مردم کویانی اعلام شد. گفته میشود نامگذاری این روز از سوی چندین جریان و شخصیت چپ صورت گرفت اما راست و ناسیونالیسم بر آن سوار شد. این فراخوان و نامگذاری از سوی هر نیرو و جریاناتی بوده باشد تفاوتی در صورت مسئله اصلی نخواهد داشت که بطور واقعی جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه دارد برای سهم خواهی دیرینه اش ایفای نقش می کند و نمایندگان و سخنگویان امروزش بر سر میز کاربدستان پنتاگون سرگرم مذاکره و معامله هستند. مردم و افکار عمومی جهانی در حمایت از مردم کویانی، علییه داعش و اسلام سیاسی به خیابانها آمدند اما

صفحه ۴

اهداف جنگ علیه داعش و استراتژی آمریکا مصاحبه با محمد آسگران

اپوزیسیون کرد در این کشورها دچار تغییر و تحولاتی شده است. آمریکا به دنبال چیست و روند تحولات به کجا می رود؟



محمد آسگران

محمد آسگران: آمریکا بعد از شکستش در عراق متوجه شد که هم نیروهای مخالفش قدرتمند شدند و هم نیروهای متحدش با سیاست گریز از مرکز هر کدام به دنبال اهداف منطقه ای خود رفتند که در مواردی حتی مخالف سیاست و منافع آمریکا بود. بنابراین آمریکا امروز در جنگ با داعش می خواهد چهره قدر قدرتی خود را احیا کند. اما برای رسیدن به این هدف، باید به قدرتهای منطقه ثابت کند که هم توان شکست داعش را دارد و هم توان چیدن نیروهای مورد نظرش در

صفحه ۲

راه پیمایی اسید پاشهای علی خامنه ای در شهرهای کردستان را در هم بشکنیم!



نسان نودینیان

"یکی از نهادهای وابسته به بیت رهبری علی خامنه ای اقدام به تبلیغات گسترده در حمایت از گروه های موسوم به "آمران به معروف و ناهیان از منکر" کرده است. در روز جمعه آینده تمامی شهرهای استان آذربایجان غربی تجمع و راهپیمایی آمران به معروف و ناهیان از منکر برگزار می کنند. این راهپیمایی که با صفت "بزرگ" و "همت مستولان" حکومتی از آن یاد شده توسط ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تدارک دیده شده است."

جمهوری اسلامی و علی خامنه ای جنایتکار زیر منگنه فشار و اعتراض و تنفر میلیونها نفر از مردم در ایرن بویژه زنان

صفحه ۴

عزاداری حکومتها و حسین پارتی جوانان!



طه حسینی

گریه و زاری و مداخلی اینها، هر انسان مدرن و امروزی را به کینه و

صفحه ۵

هر سال جمهوری اسلامی در این روزها با استفاده از تمام رسانه های و با استفاده از تمام دستگاههای تبلیغاتی و تحمیق کننده اش، مردم را به عزاداری دعوت می کند اما مردم تره برایش خورد نمیکنند. تمام برنامه های حکومتی از رادیو و تلویزیون گرفته تا برنامه های روزانه مساجد و ادارات دولتی حرف از عزای سیاه پوشی است. برنامه های مشمژ کننده خودزنی و خونریزی،

نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار و رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رضاعلی

و اجلاال قوامی به اطلاعات نیروی انتظامی کردستان احضار شدند. عدم شرکت در تجمع حمایت از کویانی از جمله مواردی بود که توصیه و تذکر داده شد.

افزایش ۵۰ درصدی قیمت گوشت گوسفند

صفحه ۶

پاوه: نادر نقشبندی عضو انجمن ادبی "هرمان" به سبب اعلان فراخوان روز یکم نوامبر، روز جهانی کویانی توسط سپاه پاسداران احضار و تحت بازجویی قرار گرفت.

سندج: محمود محمودی، سهراب جلالی، انور ساعد موشی

دستگیری
۸ آبان: در پارک "رضوان" شهر قروه تجمعی که در حمایت از مردم کویانی برگزار شده بود با دخالت نیروهای امنیتی - انتظامی متفرق و شماری از معترضین نیز بازداشت گردیدند. و شمار چشمگیری از جوانان در این تجمع بازداشت شده اند.

پیام این نامه برای خامنه ای و روحانی و سپاه پاسداران است! دومین حمله به قلب نظام اتان! مینا احدی

صفحه ۵

وضعیت کودکان قربانی مین در مروان

صفحه ۸

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ اهداف جنگ علیه داعش ...

حاکمیت کشورهای منطقه را دارا است. آمریکا برای رسیدن به این استراتژی ناچار است کسانی از دوستان خود را قربانی و قربای خود را از میدان به در کند. در عین حال کسان دیگری را به عنوان دوست و دولت هم پیمان تقویت نماید.

نیروهای مخالف آمریکا و بی اعتمادی به سیاست آمریکا از جانب دوستان این قدرت جهانی را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است. به همین دلیل سیاستمداران آمریکا دست به عصا و با احتیاط مشغول تحولاتی هستند که قدم به قدم به استراتژی خود در منطقه برسند. در این راستا آمریکا یک هدف نهایی دارد و به نسبت قدرت و امکاناتی که به دست می آورد، سیاست و تاکتیکش را تغییر میدهد.

اگر سیاست آمریکا امکان عملی شدن داشته باشد و در نیمه راه ناچار به تغییر سیاستش نشود، میخواهد عراق را به سه کشور نسبتاً مستقل کرد، سنی و شیعه تقسیم کند. در سوریه هم سه قسمت علوی، سنی و کرد را میخواهد داشته باشد. احزاب مناطق کرد نشین سوریه در قدم اول از نظر آمریکا باید به این سیاست خدمت کنند که در اتحاد و ائتلافی با دیگر اپوزیسیون سوریه، اسد را از قدرت برکنار و شرایط تقسیم این کشور را فراهم کنند. از نظر آمریکا بارزانی در کردستان عراق تنها نیرویی است که میتواند مورد اعتماد باشد و سیاستهای آمریکا را همراهی کند و مناطق کرد نشین سوریه و عراق را در میان مدت به هم وصل کند و متحدی منطقه ای برای آمریکا باشد.

اگر این سیاست میان مدت آمریکا عملی بشود تازه فضا برای تحولات و تغییر جغرافیای کشورهای دیگر آماده میشود. اکنون بحران یمن کمتر از عراق و سوریه نیست ولی به دلیل کم اهمیت بودن این کشور در استراتژی آمریکا، فعلاً از تقسیم آن به یمن حوشیا و سنیا و تقویت نیروهای مورد نظر آمریکا اخبار زیادی شنیده نمیشود. به نظر میرسد که تحولات در یمن و عربستان در قدمهای نهایی استراتژی آمریکا قرار دارند.

اما همزمان با این تغییرات که آمریکا به دنبال آن است، تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی و تقویت نیروهای مورد نظر آمریکا در داخل و حاشیه رژیم تهران، یک پای ثابت سیاست آمریکا است که کشورهای عربی و ترکیه و بارزانی هم میتوانند با آن همراه باشند. بنابر این میتوان تصور کرد که این بحران بسیار گسترده تر و درازمدت تر از آن است که بسیاری از جریانهای سیاسی به شکل سطحی و مقطعی به آن برخورد کرده اند.

اینها همگی از پیامدهای جهان چند قطبی است و مانع اصلی آمریکا و متحدین غربی اش در این راستا سر بر آوردن روسیه و دیگر قدرتهای اقتصادی و نظامی در جهان است. به همین دلیل بحران سوریه و اوکراین کاملاً به همدیگر مربوط اند و حل این بحرانها و پایان آنها به موقعیت این قدرتهای جهانی و رقابت آنها در ابعاد گسترده تر از منطقه مربوط است و موضوعی جهانی است.

ایسکرا: فکر می کنید جنگ بر علیه داعش تا کی ادامه خواهد یافت؟ کوبانی چه جایگاهی در آن دارد؟

محمد آسگران: به نظر من جنگ با داعش طولانی مدت خواهد بود. در نهایت بر اثر فشارهای منطقه ای و جهانی تلاش میکنند از درون داعش نیروهایی عروج کنند که خود را با آمریکا هماهنگ کنند و اسم آن را اسلام میانه رو بگذارند و با آنها وارد معامله و سازش بشوند. این "نیروهای میانه رو" به جریانی تبدیل میشود که آنها را با سران عشایر و قبایل و شیوخ عرب منطقه سنی نشین عراق سوریه به هم وصل کند و دولتی از آنها سر هم بندی کند که هم ترکیه و هم عربستان و... راضی بشوند. این دولت سر هم بندی شده میتواند شامل همه مناطق سنی نشین عرب زبان عراق و سوریه باشد. ارتش آزاد سوریه و نیروهای "میانه رو" بیرون زده از داعش که در مراحل بعدی میتوانند اتفاق بیفتند، آن جریاناتی خواهند بود که میتوانند آغاز تقسیم کشور عراق و

سوریه را استارت بزنند. اگر سیاست آمریکا و متحدین غربی با مانع جدی مواجه نشود مناطق مرکزی عراق و سوریه که عمدتاً شامل همین منطقه فعلی تحت تسلط داعش است و البته فراتر از این هم میتواند باشد، به شکل یک کشور متحد غرب اعلام موجودیت کند. این اتفاق به معنی تشدید و جدال قدرتهای جهانی و منطقه ای است که بر سر مناطق تحت نفوذ هر کدام از آنها به اعمال فشار سیاسی و نظامی کشیده میشوند.

موضوع کوبانی در این میان تنها نقطه معینی است که اهمیت سیاسی و تاکتیکی دوره ای محدودی برای آمریکا دارد. آنها با سیاست چماق و شیرینی تلاش کردند ی.پ.ک و حزب سیاسی آن پ.ی.د. را که حزبی مانند پژاک در کردستان ایران است و رهبر خود را اوچلان میدانند، تابع سیاستهای آمریکا بکنند و این کار را آغاز کرده اند. مذاکرات بارزانی و صالح مسلم و توافقات آنها آغاز رسمی این سیاست بود. در عین حال این آغازی است که نیروهای مسلح کردستان سوریه را در یک جبهه ائتلافی قرار بدهند و همزمان راه ائتلاف آنها با ارتش آزاد را هم فراهم کنند.

اکنون نه تنها حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه (پ.ی.د.) بلکه جمیل بایک یکی از رهبران اصلی پ.ک.ک هم طی مصاحبه ای با شرق الوسط رسماً از آمریکا خواسته است که در صلح با ترکیه نقش میانجی را به عهده بگیرد و از این طریق پیام آمادگی پ.ک.ک برای همراهی با سیاست آمریکا را علناً اعلام کرده است. این آمریکا است که تا کنون آنها را به عنوان یک نیروی طرف حساب خود پذیرفته است. این تحولات البته مایه ابراز ناخشنودی جمهوری اسلامی و اسد شد. زیرا پ.ک.ک و حزب تابعش پ.ی.د. در کردستان سوریه، نیروهای بودند که تا کنون خود را در جبهه اسد و جمهوری اسلامی قرار داده بودند. این تغییر صندلی احزاب کردستان سوریه و پ.ک.ک طبعاً باعث نگرانی رژیم حاکم بر دمشق و تهران شده است. برای سوریه طبیعی بود که نیروهای ارتش آزد به کوبانی بروند، اما رفتن

پیشمرگان کردستان عراق به کوبانی پیام دیگری داشت که وزارت خارجه سوریه و معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی را به عکس العمل وادار نمود. سوریه سیاست ترکیه برای اجازه رفتن نیروی پیشمرگ به کوبانی را نقض قوانین مرزی کشور خود و جمهوری اسلامی آنرا مایه درد سر بیشتر برای ترکیه دانست و به ترکیه هشدار داد.

با این حال مقاومت نیروهای مسلح کوبانی کلاً سمپاتی زیادی در میان جریانات سیاسی راست و چپ جهان را به همراه داشت. این مقاومت کوبانی دو وجه دارد که متأسفانه کمتر مورد توجه چپ بوده است. تنها جنبه قابل پشتیبانی از مقاومت کوبانی این است که در مقابل تروریستهای اسلامی داعش در جنگ است. همچنانکه جریانات ناسیونالیست کرد در عراق و اکنون کوبانی هم در این جنگ شریک هستند. در هر حال شکست داعش امر مثبتی است. اما چپ نباید خود را تا سطح مدافع سیاستهای ناسیونالیستی و پروغربی جریان پ.ی.د. تنزل میداد. متأسفانه چپ متوجه نیست که تحولات منطقه عمیقتر و همه جانبه تر از این است که بتوان در محدوده مقاومت و فداکاری یک جریان آنرا توضیح داد. محدودنگری و سطحی نگری بخش عمده چپ جهان و منطقه هشدار دهنده است. برای اینها سیاست و استراتژی حاشیه ای و مقاومت و فداکاری همه چیز شده است. متوجه نیستند که نهایتاً سیاست چه جایگاهی دارد و استراتژی کدام است. من مقاومت نیروهای مسلح کوبانی را در مقابله با داعش ارج مینهم. اما یک لحظه هم فراموش نمیکنم این نیروی مسلح که تحت رهبری پ.ی.د. قرار دارد بشدت ناسیونالیستی و ارتجاعی است. من قبلاً هم نوشته و گفته ام که مقاومت و مبارزه در مقابل فاشیسم اسلامی و تلاش برای شکست این نیروی درنده مهم و با ارزش است. همچنانکه در دوران هیتلر دولتها و نیروهای بورژوازی و کمونیست و دمکرات و... همگی علیه هیتلر جنگیدند و شکست آن به نفع بشریت بود. در مورد جنگ با فاشیسم اسلامی هم باید همان سیاست و دورنما را داشت و قطب

نما باید همان باشد. در این مقطع شکست اسلام سیاسی اگر چه بسیار مهم است اما نباید ماهیت نیروهای درگیر در آن را نادیده گرفت. کمونیستی که دو قدم بعد را نبینند کوتاه نظری خودش را عیان میکند و فردا اگر بخواهد چپ بماند باید علیه همین نیرویی که اکنون از آن دفاع میکند در بیفتد.

در این مورد حرجی بر جریانات راست نیست. اما جریانات چپ به دلیل سطحی نگری و بی تأثیری خودشان عاشق و کشته و مرده این مقاومت شده اند. آنها سیاست و استراتژی را رها کرده و به یک مقطع تحت عنوان "مقاومت مردم کوبانی" زوم کرده اند. این در حالی است که مردمی در آنجا زندگی نمیکند و آنهايي که در این جنگ شرکت میکنند نیروی یک حزب معین ناسیونالیستی هستند که در کانتونهای دیگر هم هیچ حزبی بجز خودشان و هم پیمانانشان اجازه فعالیت آزادانه ندارد. سیستم اداری و اقتصادیشان همان است که در کشورهای همجوار وجود دارد. علاوه بر این نیرویی که در محاصره قرار گرفته است و هیچ راهی بجز جنگید و یا تسلیم شدن پیش رو ندارد باید با معیارهای دیگری آنرا ارزیابی کرد. تسلیم به داعش معلوم است که معنی نابودی فیزیکی برای همه آنها دارد. تنها راه عقب نشینی که برای این نیرو وجود دارد رفتن به ترکیه است. این هم به دلیل سابقه اکثریت فرماندهان آن و تعلق آنها به پ.ک.ک از جانب ترکیه همان سیاست در موردشان اجرا میشود که در مورد پ.ک.ک.

بنابر این در مورد مقاومت نیروهای مسلح کوبانی هم باید تأکید کرد که قبلاً ما شاهد این بودیم تا جایی که امکان عقب نشینی داشتند ۳۸۰ روستا را خالی کردند و به داخل شهر کوبانی عقب نشستند. اینجا نقطه آخر است جایی نیست که آنها بخواهند عقب نشینی کنند. تنها راه عقب نشینی به ترکیه است که اگر بخواهند به آنجا بروند سرنوشت این نیروهای مسلح معلوم است به کجا ختم میشود. این هم یک دلیل اصلی برای مقاومت است. اما با این حال چون این جنگ با

از صفحه ۲ اهداف جنگ علیه داعش ...

نیرویی مثل داعش است قابل پشتیبانی است. کسانی که این جنگ را جنگ انسانیت و آزادی و سنبل و نماینده انسانیت مینامند یا انسانیت و آزادی برای آنها تعریف دیگری دارد یا معنی حرف خود را نمیدانند. با این نقد من دارم میگویم که حمایت چپ و مردم آزادیخواه از مقاومت کوبانی محدود و مشروط است. امروز هر جریان سیاسی ای که در منطقه بخواهد داعش را شکست بدهد باید به فال نیک گرفت. حتی اگر این نیرو یک جریان ناسیونالیست بورژوازی مانند پ.ی.د. باشد، زیرا زندگی مردم و وجود یک جامعه بورژوازی هنوز ترجیح دارد به زندگی قرون وسطایی تحت حاکمیت داعش.

ایسکرا: دلایل عدم موفقیت آمریکا در مهار داعش چیست؟ چه ملاحظات سیاسی آمریکا در برخورد به این موضوع دارد؟ آیا آمریکا سیاست دوگانه ای در این مورد ندارد؟

محمد آسنگران: آمریکا برای رسیدن به اهداف استراتژیک اش به داعش احتیاج دارد. هم برای اعمال فشار به نیروهایی که هنوز تابع آمریکا نیستند که اولین نمونه آن اسد و بعدا مالکی و حامی اصلی شان جمهوری اسلامی بود و هم برای شکست و مهار خود داعش تا نیروهای منطقه و جهان را به این قناعت برساند که بدون آمریکا آنها توان مقابله با خطر داعش را ندارند. اطلاق سیاست دوگانه به سیاست و استراتژی آمریکا هنوز گویا نیست. برای اینکه آمریکا سیاستی مرکب و چند وجهی در منطقه و جهان دارد که نه راه رسیدن به آن آسان است و نه کنار کشیدن از آن ممکن است. بنا بر این شاید بتوان گفت آمریکا سیاست چند گانه را در پیش گرفته است. دلیل اصلی عدم موفقیت آمریکا تا کنون این است که هیچ ارتش منظم و قابل اتکایی در میدان جنگ زمینی وجود ندارد که داعش را شکست بدهد. با بمباران هوایی هم نمیتوان هیچ نیروی نامنظم نوع داعش را تماما بشکست کشاند. کمک آمریکا و متحدینش به پیشمرگان کردستان عراق و امروز

مقامات امنیتی آمریکا و وزارت خارجه آمریکا در حال انتقال از کمپ جمهوری اسلامی - اسد به کمپ آمریکا و بارزانی است. بعد از این مذاکرات و توافقات بود که بمبارانهای آمریکا در کوبانی آغاز شد و بعدا ترکیه هم تحت فشار آمریکا و غرب اجازه ورود پیشمرگان کردستان عراق را به کوبانی صادر کرد.

اتحادیه میهنی در عین حال که روابطی با آمریکا دارد با قرار گرفتن در کمپ جمهوری اسلامی در دراز مدت یکی از احزاب ناسیونالیست بازنده کردستان عراق است. این حزب اگر بخواهد این سیاستش را ادامه بدهد آینده ای نخواهد داشت. رهبران اتحادیه میهنی هم اینرا میدانند و فعلا به دلایل منطقه ای و به عنوان یک تاکتیک در کمپ جمهوری اسلامی مانده اند.

همه این احزاب کم و بیش با تاکتیک و سیاست متفاوت میخوانند در مقابل داعش و در کمپ آمریکا باشند. اما هیچکدام از این احزاب بجز بارزانی نتوانسته اند اعتماد آمریکا را با خود داشته باشند. با این حال این پروسه در حال انجام است و اگر دورنمای تحولات منطقه را مبنای تحلیل خود قرار دهیم همه آنها به کمپ آمریکا خواهند پیوست. در عین حال ناچارند رهبری بارزانی را هم بپذیرند. زیرا آمریکا و ترکیه و کشورهای اروپایی تنها حزب مورد اعتمادشان بارزانی است. هدف همه این احزاب برای پیوستن به این کمپ این است که بتوانند حاکمیت و یا بخشی از حاکمیت این مناطق را از آن خود کنند.

ایسکرا: در مورد جدال قدرتها و نیروهای منطقه نظرت را گفتید. علاقه مند جایگاه مردم و کمپ چپ جامعه را نشان بدهید. نظرت در این مورد چیست؟

محمد آسنگران: منظورت از کمپ چپ اگر احزاب چپ موجود باشد متاسفانه محدود نگری و سطحی نگری اکثریت آنها تاسف برانگیز بود. در این منطقه من کمتر جریانی را میبینم که دو قدم دورتر از تحولات روز را ببیند. اکثریت آنها سیاست و استراتژی را رها کرده و در باد ناسیونالیسم کرد دارند خودشان را خنک میکنند. برای مثال روز جهانی دفاع از کوبانی روز افشا و نقد اسلام سیاسی نبود. فضای حاکم در این روز دفاع از جریانات ناسیونالیسم کرد و روز دفاع از سیاستهای پ.ک.ک با عکس اوجلان معنی شد. این روز روز مقابله با داعش نبود. روز آتش زدن پرچم اسلام سیاسی نبود. روز دفاع از حقوق مردم و برابری زن و مرد نبود. اگر مواردی این اتفاق هم افتاده باشد چنان نادر بود که در میان همه ناسیونالیسم کرد گم شد. اگر کسی اینرا ندیده و نفهمیده باید به عقلش شک کرد.

اما اگر منظورت از کمپ چپ همان کمپ سوم و قطب سوم و بشریت آزادیخواه و کمونیستهای روشن بین باشد که استراتژی و سیاست را فراموش نکردند و از تمدن و انسانیت و حقوق شهروندان دفاع کردند متاسفانه هنوز از ضعفهای زیادی رنج میبرد. با این حال بدون به میدان آمدن قدرتمند

این کمپ آینده دلچسبی در انتظار مردم ویژه زنان این منطقه نیست. این قطب در مقابل دو جناح اسلام سیاسی سنی و شیعه که هر کدام از آنها بخشی از قدرتهای جهانی را پشت سر خود دارند قرار میگیرد. این کمپ باید با پرچم آزادی و برابری و خلاصی از دست همه جناحهای اسلامی و ناسیونالیستی نمایندگی بشود. در تظاهرات اوایل اکتبر مردم سنجند آنجا که با پرچم قرمز به خیابان آمدند و علیه همه جناحهای ارتجاع منطقه ایستادند پرچم این کمپ نمایندگی شد. اما در تظاهرات جهانی در "حمایت از کوبانی" رنگ و شعار این کمپ متاسفانه قدرت و صدای ضعیفی داشت. آن روز پرچم ناسیونالیسم کرد برجسته شد. این هشدار به همه کمونیستها و آزادیخواهان و مردم متامل دنیا است. قطب سوم و مردم آزادیخواه و کمونیستها علیه داعش و همه جریانات اسلامی و حامیانشان هستند. شکست فاشیسم اسلامی به نفع بشریت است همچنانکه شکست فاشیسم هیتلری به نفع بشر بود. به عنوان جمله آخر میخواهم تاکید کنم احزاب و نیروهای مسلح در کوبانی ماهیتا در سیاست و استراتژی هیچ تفاوتی با احزاب حاکم در کردستان عراق ندارند. همه اینها احزاب یک جنبش به اسم جنبش ناسیونالیسم کرد هستند. کسی که از یکی حمایت میکند و مخالف آن یکی است یا دچار توهم شده و یا از سیاست چیزی نفهمیده است.

۴ نوامبر ۲۰۱۴



توقع انسانگرایی از ناسیونالیسم ...

از صفحه ۱ راه پیمایی اسید پاشها ...

جنبش و جریانات ناسیونالیسم کرد در حمایت از اوجلان و احزاب کرد سوریه پرچمهایشان را بالا بردند. متأسفانه یکی دیگر از ضعفهایی که باید بر شمرده این است که احزاب و نیروهای بنام چپ از حول حلیم خود را توی دیگ انداخته اند. این جریانات بدون اینکه تحولات منطقی را در ابعاد جهانی و بدرست مورد بررسی قرار دهند، از کویانی و مقاومت احزاب مسلح که هیچ راهی جز مقاومت ندارند به حمایت از ناسیونالیسم کرد در غلطیده اند. مهم این است صف جریانات و احزاب ناسیونالیست در معادلات منطقه را تشخیص داد و با حمایت از مدینت و جان و مال مردم کویانی و آوارگان این جنگ علیه جنبش اسلام سیاسی، علیه داعش و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی زنان جبهه چپ و سوم را تقویت کرد.

توقع و انتظار از اینکه در بیش از صد کشور جهان می بایست پرچم دفاع از انسانیت، در دفاع از مردم کویانی و مبارزه بر حق آنان و پرچم آزادی و برابری زنان و غیره برجسته تر از تصاویر اوجلان، پرچم کردستان و افق و اهداف ناسیونالیسم کرد در اهتزاز باشد تصوری خام اندیشانه است. در این شکی نیست که افکار عمومی جهانی و جریانات چپ و رادیکال از زاویه دفاع از مردم کویانی، در دفاع از زنان و کودکان و در دفاع از انسانیت در مقابل توحش اسلام سیاسی و داعش در این تجمعات حضور داشته و به خیابانها آمدند اما نباید فراموش کرد که اوضاع منطقه چه در کردستان سوریه و کردستان عراق بر محور شرایط حاضر در کویانی و دخیل بودن ناسیونالیسم کرد در این اوضاع، بخش دیگری از صورت مسئله است.

اوضاع و تحولات منطقه شباهتی به هیچ دوره تاریخی دیگری ندارد و تنها با شناخت از اوضاع و روندهای تکنونی و شرکت نیروها و جریانات سهم خواه در منطقه می توان اثر بررسی کرد و نتایج درست و واقعی از آن بدست داد. چپ اجتماعی و افکار مترقی جهانی از مردم بدفاع برمیحیزند. احزاب و

نیروهای ناسیونالیست هم بنام دفاع از کویانی بدنبال سهم خود از معامله بر بستر این جنگ هستند. باید قبول کرد و پذیرفت که ناسیونالیسم کرد دارد در این بازی و برای سهم خواهی خود نقش ایفا می کند. اگر تصاویر اوجلان، پرچم کردستان و سرود ای رقیب میداننداری می کند این یک واقعیت است و به این خاطر است که فعلا اوضاع سیاسی در شرایط حاضر در دایره جنبش ناسیونالیسم کرد دارد می چرخد و به محض جوارو کردن داعش، خواست، آمال و آرزوهای انسانی قدرتمند تر در مقابل ناسیونالیسم قد علم خواهد کرد. کاری که چپ متحزب باید بکند این است که در دفاع از کویانی به تمجید از ناسیونالیسم نپردازد.

اکنون که پ ک ک، احزاب وابسته به آن در کردستان سوریه و نیروهای نظامی حکومت اقلیم کردستان که در هماهنگی با نیروهای ائتلاف جبهه ای علیه داعش ایجاد کرده اند، نباید این انتظار و توقع خام اندیشانه را داشت که در دفاع از انسانیت، در دفاع از کرامت و برابری زنان با مردان سخن بگویند و پرچمشان دفاع از برابری و انسانیت باشد. توهمی بیش نیست که از سردمداران جریانات و احزاب ناسیونالیست کرد در روز اول نوایر انتظار این را داشت که تنگ نظر نباشند و تجمعات دهها هزار نفری در بیش از صد کشور جهان و در حمایت از مردم کویانی را در حیطه دفاع از انسانیت قلمداد کنند. ناسیونالیسم از این جنس و تبار نیست، ناسیونالیسم خوشخیم نیست، ناسیونالیسمی که پرچمش دفاع از کرامت و حرمت انسانی مردم کویانی یا هر بخش دیگری از مردم جامعه و حتی مردم کردستان باشد را نداریم. ناسیونالیسم هیچ گونه سنخیتی با برابری و آزادی

بمعنای واقعی کلمه ندارد، ناسیونالیسم قومیت، ملیت، خاک و پرچمش را برای سهم شدن در قدرت بدست می گیرد. ایستادگی نیروها، احزاب و جریانات ناسیونالیسم منطقه و در هماهنگی با نیروهای ائتلاف در مقابل داعش را در چهار چوب معادلات و بده و بستانهای این

نیروها باید دید نه در دفاع از انسانیت، نه در دفاع از رادیکالیسم و مبارزه زنان و جوانان و نه در دفاع از مردم کویانی در حراست از حرمت انسانی خود و علیه وحشیگری داعش.

چپ در قامت اجتماعی و در قامت احزاب سیاسی، عمیقا و ریشه ای علیه داعش است. احزاب و جنبش ناسیونالیسم کرد هم در مقابل داعش دارد ایستادگی می کند. اما تفاوت پایه ای این دو جبهه در برابر داعش در این است که چپ از انسانیت، از حرمت و کرامت و برابری انسان در کویانی و در مقابل داعش دفاع میکند و عمیقا ضد مذهب است که مدام این دفاعیات بمراتب در مقابل تعرض ناسیونالیسم به زنان، به آزادیخواهی و برابری طلبی هم صورت گرفته است. اما ناسیونالیسم کرد حضورش در مقابل داعش قبل از هر چیز برای حفظ منافع حقیر ناسیونالیسم کرد در منطقه است. سهمش را طلب می کند. می خواهد قدر قدرتی در جغرافیای خود باشد. افکار و باورهای ناسیونالیستی خود را رواج دهد. با مذهب از هر نوعش سر جنگ ندارد خود عمیقا به مذهب و اسلام آغشته است. ناسیونالیسم کرد تلاش می کند از وضعیت و شرایط بوجود آمده و حمایتهای انسانی افکار جهانی از مردم کویانی افق و اهداف ناسیونالیسم کرد را تقویت کند. به هر درجه ای که ناسیونالیسم کرد خواهد و بتواند داعش را عقب بزند و آنرا حاشیه ای کند با اینکه اقدامی مثبت است اما ذره ای از این واقعیت نخواهد کاست که این بظاهر بخشش از کیسه خلیفه، قرار نیست گلی به سر مردم کویانی بزند و یا رها کردن زنان برده شده در دست داعش را به همراه داشته باشد. حتی با پاک کردن داعش از منطقه و با

مبارز و انقلابی قرار گرفته اند. "آمران" اسید پاشی توسط بیت رهبری و آیت الله ها و امام جمعه های جنایتکار هدایت شده اند. در حوادث اسید پاشی اصفهان رد پای باندهای وابسته به "بیت رهبری" برای مردم آشکار شده است. مردم رد پای این باندها را می بینند. عکس العمل فوری و رادیکال زنان و مردم متنفذ از نظام جمهوری اسلامی در اصفهان جنبش رادیکال علیه اسید پاشی را به قطب و جبهه ای در مقابل نظام سیاسی و قدرت حاکمه رژیم تبدیل کرده است. این قطب رادیکال هم اکنون مورد حمایت توده های میلیونی در سطح بین المللی قرار گرفته است.

راه پیمایی باندهای "خامنه ای" زوزه اسلام سیاسی

۱۳ آبان ۱۳۹۳

بود. کویانی بمشابه یک شهر و یک جغرافیا تنها نیست چرا که تمام جریانات ذینفع، از پنتاگون و دولت های منطقه گرفته تا همه احزاب و نیروهای ناسیونالیست دخیل و ذینفع در معادلات قدرت و برای سهم خواهی و بده و بستانهایشان، کویانی را در آغوش گرفته اند. اگر چیزی تنها باشد که چندان هم تنها نیست، مردم و خطر به برده گرفته شدن زنان کویانی در منطقه توسط داعش و مردم ستم دیده کردستان سوریه و عراق هستند که باید از طرف چپ و از سوی جبهه سوم و مردم مترقی با قدرت هر چه بیشتری نمایندگی شوند. بنابراین توقع انسانگرایی از ناسیونالیسم توهمی بیش نیست.

۵ نوامبر ۲۰۱۴

برسیمت شناخته شدن احزاب کرد سوریه بعنوان حکومت محلی در این منطقه، طلبانی و بارزانی کپی شده دیگری خواهیم داشت. در اوایل اکتبر و در حالیکه داعش مردم کویانی را مورد آماج حملات وحشیانه خود قرار میداد مسئولین بلند بالای اتحادیه میهنی طالبانی و بارزانی در حکومت اقلیم کردستان سرگرم تجارت و خرید و فروش نفت با داعش بودند. این دیگر تحلیل نیست بلکه اظهار نظر و اعتراف برهم صالح از اتحادیه میهنی در یک رسانه رسمی بود.

اگر پ ک ک در ترکیه و احزاب وابسته به آن در کردستان سوریه و هر کدام از آنان در حیطه جغرافیایی خود قدرت بلامنازع را در دست داشته باشند، آنان نیز چیزی کمتر از حکومت اقلیم کردستان نخواهند

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

پیام این نامه برای خامنه ای و روحانی و سپاه پاسداران است! دومین حمله به قلب نظام اتان!



مینا احدی

هر آن کس که چند لحظه هم در ایران بسر برد و شما و حکومت اتان را تجربه کرد، فقط میتواند و باید ندای سرنگونی این نظام را سر دهد. همه سرنگونی طلبان نیز باید بدانند که باید به تکیه گاههای این حکومت یعنی اعدام و سنگسار و جنایت مقدس حمله برد!

و من مدعی هستم که به این تکیه گاهها حمله کرده ایم و این حمله را بسیار آگاهانه سازمان داده و به پیش برده ایم. چرا که در مقابل ما یک دستگاه جهنمی وجود داشت و دارد که فقط با ریختن خون نفس میکشد و وحشت ایجاد میکند و اعتراض و انتقاد و اعتصاب را به خون میکشد!

با کمک یک جنبش عدالت خواهانه و منزجر از حکومت اسلامی در ایران و با یاری میلیونها قلب مهربان و انسان دوست از اقصی نقاط جهان، تا کنون دو حمله بین المللی به قلب نظام کثیف اتان سازمان داده ایم!

ما اینجا ایستاده ایم و درست مانند کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی، تشبثات مسخره و رنگ و رو باخته شما را می بینیم و پوزخند میزنیم. فیلم میسازید، دروغ می بافید، تهدید و شانتاژ میکنید، ولی می بینید و حس می کنید که جاده سرازیری است و در مقابل میلیونها بشر روی کره زمین که به روی تک تک شما تف میکنند، راه فراری ندارید!

اگر شما داعشیان قرن هستید، اگر شما هیچ حیایی ندارید، اگر شما جنایتکاران دوره هستید و با وقاحت

می کشید و می چابید و اینرا شواب در چشم خلاق جا میزنید، اینطرف در مقابل شما ما ایستاده ایم، ما نمایندگان بشریت متمدن، ما مخالفین مدافعین حق حیات، ما مخالفین جنایت و کشتار و قتل عمد، ما مدافعین آینده و انسانیت و روشنایی و زندگی!

و چون آینده از آن مردم است، و چون هیچ دیکتاتوری نتوانسته تا ابد دوام بیاورد، شما نیز روزی به همت مردم ایران و با یاری میلیونها نفر از مردم دنیا، واژگون خواهید شد اینرا به شما قول میدهم و حمله به قلب نظام اتان آن روز را نزدیک و نزدیکتر کرده است!

پس به طرفداران خجول و آشکارتان نیز پند و اندرز دهید که زیر پای شما خالی شده، به آنها بگویید که کاسه داغتر از آتش نشوند، قلب نظام لرزیده و دو پای نظام مورد حمله بشریت مترقی قرار گرفته، دور نیست روزی که این جسد متحرک سرنگون شود و بشریت روز رهایی مردم ایران از داعشیان زمانه و جانیمان بالفطره را جشن بگیرد، برای آن روز نیز بهتر است جانیمان و خامنه ای و روحانی و اصلاح طلبان رنگارنگ مدافع داعش، فکری به حال خود بکنند.

جنبش جهانی علیه اعدام و این به تنگنا انداختن جانیمان بر مردم ایران گرامی باد!

مینا احدی

کلن ۱ نوامبر ۲۰۱۴

از صفحه ۱ | عزاداری حکومتها ...

تنفر از این برنامه هایشان وادار میکند. دعوت حکومتی ها به عزاداری و تشویق و تبریک گفتنهایشان از خامنه ای و روحانی گرفته تا آخوندهای ریز و درشت به گفتمان روزشان تبدیل میشود.

این حکومت شیفته سیاهی، زخم و درد برای مردم است. هر سال در این روزها حتی به کودکان خردسال خودشان هم رحم نمیکنند و با قمه زدن بر سر آنان و جاری شدن خون از سر و صورتشان، عقب افتاده ترین و شنیع ترین سنت های اسلامی را بنمایش می گذارند. در خیابان و مساجد بساط خونریزی و خودزنی راه می

اندازند. آخوندها و راویان و مداحان برای به کوما بردن دارودسته های خود راه میافتند و با دروغ و داستانهای خودساخته از کربلا و معصومیت حسین میگویند. موجودیت جمهوری اسلامی از روز اول به قدرت رسیدنش روزانه با رایج کردن ماتم و عزا تلاش کرده است جامعه ای را به انقیاد بکشاند اما نتوانسته است. روزی نیست که کسی را نکشند، به ساعت و ثانیه در ایران تحت حاکمیت این جانوران که به خون هر انسان آزاده و شریفی تشنه هستند نیست که کسی را و یا خانوادهای را مورد قتل و احکام

قصاص و زندانی کردن قرار ندهند. فکر نکنم هیچکس و هیچ خانواده ای باشد که در

این ۳۵ سال حکومت اینها از طریقی مورد ضرب و شتم و یا اعدام و زندان قرار نگرفته باشد.

با این وجود مردم، زنان و جوانان دختر و پسر که در این ۳۵ سال حاکمیت خون و جنایت اسلامی در ایران بدنیا آمده اند، با فرهنگ و سنتهای عقب مانده و ضد انسانی اینها بشدت احساس بیگانگی کرده و بقدمت تاریخ حاکمیت اسلامی در مقابلش ایستادگی کرده اند.

جوانان هر سال بخصوص در این روزها در تقابل با این تعفن اسلامی و در واکنش به بساط و دکان خودزنی آنان، به شادی، رقص و پایکوبی میپردازند و اسم این روزها را که برای جمهوری اسلامی یکی از مقدس ترین و پایه ای ترین مناسک حکومتشان میباشد "حسین پارتی" گذاشته اند. اگر حکومتی

ها در شبکه های تلویزیونی و مساجد به خود زنی و گریه و زاری مشغول هستند جوانان در دسته ها و گروه های کوچک و بزرگ در خانه ها، مکانهای بیرون از شهر و زیر زمین ها مشغول "حسین پارتی" خود

هستند که با این امید و آرزوهای خود زمانی با رفتن این حکومت جشن و شادی خود را در میدانهای بزرگ شهرها بر گزار کنند.

زنده باد جشن و شادی

زنده باد زندگی

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

متضمن تعرض به جسم افراد

(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)

تحت هر شرایطی ممنوع است.

همچنین مجازات حبس ابد

باید لغو شود.





در ماههای اخیر قیمت گوشت گوسفند در قصابی‌های سطح شهر کرمانشاه با افزایش ۵۰٪ بالای سی هزار تومان روبرو است.

مسمومیت: اعضای يك خانواده چهار نفری در شهرستان سردشت بر اثر استنشاق فسفید آلومینیوم، مسموم و روانه مراکز درمانی ارومیه شدند. قرص برنج در میان حبوبات نگهداری شده و باعث مسمومیت چهار تن از اعضای این خانواده در شهر ربط گردید.

خودکشی

روستای "خورخوره" از توابع شهر سلماس: شیدا محمدی ۱۹ ساله فرزند سید فتح اقدام به خودکشی کرد.

کارگران

آزادی محمد مولانایی عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد اشکل های کارگری

محمد مولانایی کارگر بازنشسته شهرداری مهاباد و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که به دلیل عضویت در این کمیته و فعالیت‌های کارگری محکوم به يك سال حبس تعزیری شده بود بعد از گذراندن دوران محکومیت خود در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۹۳/۰۸/۱۰ از زندان آزاد شد. مولانایی کارگر زحمتکش از بیماریهای متعددی رنج می برد و با وجودی که در دوران محکومیت خود به دلیل همین بیماریهای يك بار نیز بستری شد اما نه با مرخصی استعلاجی وی موافقت به عمل آمد و نه تعدیلی در مدت زمان محکومیت وی صورت گرفت. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک آزادی این عزیز به خانواده، دوستان و همه کارگران و فعالین کارگری، خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و فعالین در بند، از جمله یوسف

آبخرابات، واحد سیده، غالب حسینی و افشین ندیمی و ... می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری (کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران آزادی محمد مولانایی را به خانواده اش و کارگران در ایران تبریک میگوید))

بیگاری: استان کرمانشاه دومین استان بیکار در سراسر ایران محسوب می‌شود و رتبه کار هم در میان ۳۱ استان در جایگاه ۲۸ است.

گاز گرفتگی جان یک کارگر را گرفت

آبان: با آغاز فصل سرما در کردستان، يك کارگر ۳۱ ساله که نگهبان کارگاه ماسه‌شویی در بخش سننه سقر بوده است به دلیل گاز گرفتگی جان خود را از دست داده است.

کمین مین

در متن زندگی کودکان

۳۶۵ روز گذشته است اما هنوز در قربانگاه انسانی نشکاش مریوان زیر تنه ی درخت قطور و کهنسال گردو بوی خون قربانی پای "گشین" و گم شدن مردمک چشمان "آلا" می آید. هنوز برگ های زرد با لکه های خونی هشت اصله درخت گردوی دوطرف کوره راه خانه ی سنگی پدر گشین دختر ۱۰ ساله قربانی مین شهادت می دهند که کف پای این دخترک از روزنه های شاخ و برگشان با طعم باروت و رنگ قرمز خون عروج کرد و در آسمان عصر پاییزی به همراه پنجه دمپایی پلاستیکی آبی در شراره های سوزان آتش ذوب و گم شد.

روزهای آدینه هر هفته چرخش عقربه های ساعت کدر عمر تراژدیك و آرزوهای ناشکفته "گشین"، "آلا"، "سینا"، "خبات"، "زانا"، "متین" و "بهنوش" دقیق بر روی ساعت ۴:۳۰ عصر - یادآور دقیقه و ثانیه های روز قربانی- از حرکت

می ایستد. ساعت ۴:۳۰ عصر روز جمعه هفته آخر مهرماه پارسال گشین به همراه بهنوش دختر همسایه دیوار به دیوار و رفیق و همبازی کوچه پس کوچه های نشکاش و لحظات شاد و تلخ پنج سال دوران مدرسه هوس توپ بازی می کنند زیر سایه ی درختان گردو دقیق نقطه اتصال پلکان های سنگلاخی به حیاط خانه اشان، در همان روز که کودکان فامیل دور و نزدیک از شهر و آبادی به مهمانی آمده اند و از شوق دیدار در پوست خود نمی گنجد آنان در دو تیم سه و چهار نفره همبازی می شوند و صدای سرور و شادی کودکان اشان با سماع خزان برگ درختان در هم می آمیزد. آغاز بازی است هنوز توپ پلاستیکی از خط دروازه ای عبور نکرده است. به گفته گشین، هنوز توپ زیر پایش در بازی بود که بازی سرنوشت در توپ آهنی مین منفجر شد و در سوت پایان بازی دمید.

در این صحنه از بوم سیاه زندگی کودکان نشکاشی کف پای راست "گشین" ۱۰ ساله از کف رفت، چشم راست "آلا" دخترک شش ساله کم سو و در تاریکی دود غلیظ انفجار محو و چشم چپ "خبات" ۱۰ ساله قرمز و خونی شد، سینا و آلت تناسلی به همراه دو کشاله ران "سینا" پسرک کوتاه قد پنج ساله غرق در خون شد، جسم نحیف کودکانه "متین" پسر هفت ساله و "بهنوش" دختر ۱۰ ساله در اثر ترکش و براده های مین و سنگ ریزه های پای درخت چون غربالی سوراخ سوراخ شد و موج مهیب انفجار "زانا" نوجوان ۱۱ ساله شوخ طبع بذله گوراز سخنوری در محافل خانوادگی و همنشینی با گیج و مبهوت و بی تکلم در سکوت مطلق چند هفته ایی فرو برد.

گشین می گوید بعد از انفجار مین دودی قیراندوز از کف زمین به آسمان برخاست و چون ابری سیاه صورت آبی آسمان را پوشاند؛ در این لحظه ی دهشتناک تصاویر شش رفیق همبازی او در تاریکی مطلق محو شد.

این قربانی مین می گوید: "هرم گرمای سوزان به سان نوك سوزن درگونه و شقیقه هایم فرو می رفت و پای راستم همچون روغن داغ ماهی تابه قرچ قرچ می سوخت "گشین

تنها این پلان از سکنس های این فاجعه را به یاد دارد و او هنگامی که بر روی دستان مهربان دهیار روستا دستان کوچک کودکی اش آویزان نگاه زمین بود و از جسم نحیف دخترانه و پای قاچ شده او خون برکف کوچه های باریک کج و معوج محل زندگی اش می چکید، از هوش رفت.

در این هیاهو، "رابعه" مادر گشین بر پشت بام لحاف و پتو می شست؛ با صدای انفجار مین از بام پرید و پس چرخ های خودرو خون آلود دهیار روستا که به سمت مریوان جاده خاکی را می پیمود، گونه ریش ریش کرد، چنگ در کیسو انداخت و فریاد -گشین گشین- او به طاق آسمان پنس شد برهان پدر گشین نیز با پای برهنه تا انتهای کوچه جای که سایه سار درختان گردو به اتمام می رسد در پی چشمان فرو رفته در اغمای گشین دوید اما افسوس که کار از کار گذشته بوده و مین کف پای راست دختر او را از ابتدای پاشنه قطع کرده بود.

آن روز نشکاش غلغله بود. مردم سراسیمه در هم می لولیدند. ساکنان آبادی جسم خون آلود کودکان را شتابان به خودروی نجات می بردند. گشین را دهیار برده بود و شش کودک مصدوم دیگر را در يك خودروی - نیسان باری- جای دادند و راننده به سمت بیمارستان مریوان به راه افتاد. غروب روز آدینه ۲۶ مهر ماه ۹۲ بیمارستان فجر مریوان میزبان کودکان قربانی مین شد و تعدادی از قربانیان بعد از چند روز بستری و مداوا ترخیص شدند اما گشین و آلا به دلیل صدمه شدید در بیمارستان ماندند.

گشین در ۳۳ روز بستری، ۱۱ بار در اتاق عمل زیر تیغ جراحی رفت. تکاپوی پزشکان برای نجات پای راست گشین نتیجه نداد و پای له شده او از ابتدای پاشنه اره شد. امروز او با پای "پروتز" لنگان لنگان گام برمی دارد. پای مصنوعی پاشنه پای او را می زند و به گفته گشین، سوزش شبانه پاشنه زخمی ناشی از تنگی کفش پروتز، سخت تر از خارش مداوم گوشت متورم پای قطع شده است. این کفش مصنوعی پارسال ساخته شده است هر سال باید سایز این کفش متناسب با رشد پای گشین تعویض شود.

کابوس انفجار مین گشین را در

خواب نیز رها نمی کند. او اغلب اوقات نیمه شب از خوف صحنه های انفجار چنان با فریاد از بستر می پرد که ساکنان خانه را زهر ترك می کند. بعد از گذشت ایامی از روزهای تلخ سال ۹۲ و ۹۳ چشم راست آلا امروز در سیاهی فرو رفته و گفته می شود که این چشم باید در آینده ی نزدیک از حدقه در آید و چشم شیشه ایی عروسکی در کاسه چشم کشت شود سیمای گرد چون ماه آلا ی شش ساله امروز زیر سایه قاب عینک ته استکانی کم فروغ شده است.

چشم چپ خبات همچنان قرمز و خونی است و اگر دست بر چشم راستش بنهد اشیاء را تا فاصله ۱۰ متری تشخیص نمی دهد. او هر شب قطره استریل چشمی برای آرامش سوزش در چشمش می چکاند و پماد مرطوب کننده به زخم کبود گونه راستش می مالد. هنوز جای زخم های انفجار مین بر بدن زانا، متین، سینا و بهنوش هویداست. به گفته آنان خارش شبانه جای چنگول مین، خواب را از چشم شبانه این هفت کودک مصدوم گرفته است. بررسی هویت شناسنامه ای این هفت کودک بیانگر روابط فامیلی و خویشاوندی دایی عمه زاده و عموزادگی گشین کریمی، خبات کریمی، آلا روبینا و متین رخش بهار است؛ و بهنوش ضیاالدینی، زاناپا و وسینا دژاهنگ نیز رفیق های هم روستایی اند. در روز حادثه، آلا از روستای همجوار و متین از شهر مریوان برای عید دیدنی به خانه عمه و دایی آمده بودند که شیرینی عیدی با انفجار مین چون قرابه ی زهری خورشید از خراش خونین گلوی کودکان گذشت. «بخشهایی از نویسنده: شیروان یاری (هفته نامه شیروان)»

نویسنده: شیروان یاری (هفته نامه شیروان)



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: پدلی محمودی
yadli.mahmodi@gmail.com

معوقه خود شده بودند.

با عرض پوزش از خوانندگان این ستون که بدلیل مسافرت، سه هفته نتوانستم اخبار رویدادهای کردستان عراق را جمع آوری و منتشر کنم.

رئیس جمهور عراق از شهر سلیمانیه دیدن کرد

روز دوشنبه سوم نوامبر فواد معصوم رئیس جمهور عراق برای دیداری رسمی وارد شهر سلیمانیه شد و از طرف مقامات این شهر و مسئولین اتحادیه میهنی مورد استقبال قرار گرفت. لازم به ذکر است که در توافقات تقسیم قدرت در میان احزاب ناسیونالیستی و مذهبی عراق پست تشریفاتی ریاست جمهوری به اتحادیه میهنی واگذار و بازدید فواد معصوم هم از سلیمانیه و نه از اربیل بر همین مبنا می باشد.

نیچیروان بارزانی می خواهد بحران مالی حکومت اقلیم را حل کند.

روز یکشنبه دوم نوامبر نیچیروان بارزانی رئیس انجمن وزرای حکومت اقلیم کردستان در سخنرانی در شهر اربیل اعلام کرد که "در آینده ای نزدیک بحران مالی حکومت اقلیم را حل خواهیم کرد". در بخش دیگری از سخنان خود بارزانی گفت که سیاست قطع بودجه از طرف دولت عراق سیاستی شکست خورده است. آنها به بهانه فروش نفت اقلیم کردستان بودجه ما را قطع کردند، ولی واقعیت این است که ما بعد از قطع بودجه شروع به فروش نفت کردیم. لازم به ذکر است که بدلیل قطع بودجه کارمندان دولت اقلیم از طرف دولت مرکزی عراق و پرداخت نکردن حقوق بسیاری از مردم برای ماهها اعتراضات وسیعی علیه قطع بودجه و حکومت اقلیم به راه افتاده بود، بخصوص معلمان در ابتدائی بازگشائی مدارس دست به اعتصابات زدند و خواهان پرداخت فوری حقوقهای

گزارش سکای نیوز، نیچیروان بارزانی در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که "نقش نیروهای پیشمرگ دفاع از کسانیت که از کوبانی دفاع می کنند و آنها نمی خواهند در مسائل داخلی شهر دخالت کنند". لازم به ذکر است که بعد از بیش از یک ماه تلاش و مبارزه قهرمانانه مردم کوبانی و نیروهای مدافع خلق برای دفاع از شهرشان در مقابل وحش داعش و بعد از جهانی شدن حمایت از کوبانی، بالاخره حکومت اقلیم کردستان هم تحت فشار افکار عمومی تصمیم گرفت نیرویی را برای دفاع از کوبانی به این شهر اعزام کند.

گرچه بسیاری این اقدام حکومت اقلیم را گامی مثبت ارزیابی می کنند، اما نباید از یاد برد که حکومت اقلیم کردستان و بویژه نیروهای حزب دمکرات به رهبری بارزانی از بدو ورود نیروهای داعش به عراق و اشغال مناطق بسیاری از آن کشور نه تنها مقاومتی از خود نشان ندادند، بلکه همه دلیل کشتار و آوارگی دهها هزار نفر از مردم مناطق شنگال را تبانی نیروهای حزب دمکرات در معامله با داعش می دانند، چرا که آنها بدون

کوچکترین مقاومتی مناطق وسیعی را در اختیار داعش قرار دادند و آنها نیز به سبک دوران قلدری و صدارت اسلام به هیچ احدی رحم نکردند، تا توانستند کشتند، آواره کردند و صدها زن را در اوج وحشیگری به بازارهای فروش سکس سپردند و هنوز هم از سرنوشت بسیاری از آنان خبری در دست نیست.

قلعه اربیل بعنوان بنای تاریخی از جانب یونسکو برسمیت شناخته شد!

روز یکشنبه دوم نوامبر در مراسمی سازمان یونسکو قلعه بسیار قدیمی اربیل را بعنوان بنائی تاریخی برسمیت شناخت و خواهان حفاظت از آن شد.

کنگره روزنامه نگاران در سال آینده برگزار می شود

هندرین احمد دبیر سندیکای روزنامه نگاران در اقلیم کردستان اعلام کرد که، قرار بود کنگره سندیکا در ماه اگوست امسال برگزار شود، اما بدلیل اوضاع کنونی این میسر نشد، اما سعی خواهیم کرد در اوائل سال آینده کنگره را برگزار کنیم. همچنین آقای هندرین گفت "سندیکای روزنامه نگاران در

کردستان ۷ هزار عضو دارد، اما دو هزار تن از آنان که هیچ تعهدی نسبت به سندیکا ندارند باید در کنگره آتی اخراج شوند". در بخش دیگری از سخنان خود هندرین گفته که یکی از مشکلات ما این است که هیچ قراردادی بین سندیکا و اعضا وجود ندارد و به همین خاطر هم تعداد زیادی از روزنامه نگاران اخراج شده اند و ما نتوانسته ایم کاری برای آنها انجام دهیم.

از در آمد فروش نفت اقلیم ۵٪ به دولت کویت پرداخت می شود!

سفین دزه ی سخنگوی حکومت اقلیم کردستان در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که از در آمد فروش نفت اقلیم پنج درصد به دولت کویت پرداخت می شود. آقای دزه ای گفت این مبلغ التزامی بین المللی است و در چهارچوب جبران خسارت به آن کشور پرداخت می شود که دولت عراق به آن کشور زده و ما هم در چهارچوب کشور عراق باید سهم خودمان را بپردازیم. وی همچنین اعلام کرد که هم اکنون دولت مرکزی عراق ۸ میلیارد دلار به حکومت اقلیم بدهکار است.*

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

نیروهای پیشمرگ در کوبانی موقتا آنجا خواهند بود!

روز سوم نوامبر نیچیروان بارزانی اعلام کرده که نیروهای پیشمرگی که برای دفاع از شهر کوبانی وارد آن شهر شده اند، موقتا آنجا خواهند بود و گفت آمریکا در فرستادن آن نیرو نقش داشته است. به

وضعیت کودکان قربانی مین در مریوان



در مریوان از سال ۶۲ تا ۸۹ حدود ۴۹۰ نفر در اثر رفتن روی مین کشته و ۱۵۳۰ نفر هم مجروح شده‌اند و تعداد مین‌های کاشته شده در این مناطق مشخص نیست «گشین»، «آلا»، «خبات»، «زانا»، «متین»، «بهنوش» و «سینا» کودکانی‌اند که انفجار مین سال گذشته، زندگی‌شان را عوض کرد. گشین که حالا به همراه پدرش برای درمان در بیمارستان نورافشار هلال‌احمر به تهران آمده، در انفجار مین زیر درخت گردوی نزدیک خانه‌اش، مع پای راستش را از دست داد. او می‌گوید هنوز بعد از مدتها نمی‌تواند باور کند که یک پا ندارد و شبها برای نوشیدن آب از خواب بیدار می‌شود و در تاریکی طوری راه می‌رود که انگار هنوز دو پایش را دارد.

۲۶ مهر سال گذشته بود که انفجار در روستای نشکاش مریوان، ۷ کودک را مصوم کرد. کودکانی که آن روز زیر درخت گردو در حال بازی بودند و انفجار مین به‌جا مانده از اطراف پایگاه نظامی روستایشان،

بچه‌ها به زودی شروع می‌شود. نشکاش یکی از روستاهای بسیار محروم کردستان است. ما اسم این بچه‌ها را گذاشته‌ایم کودکان مین. نکته‌ای که در این باره وجود دارد این است که کودکان بیشترین قربانیان مین هستند و دیگر نباید اجازه داد که شهروندان ایرانی بیشتر از این قربانی شوند؛ مینی که در گذشته برای امنیت استفاده شده حالا خودش ضدامنیت شده است. «این وکیل دادگستری گفت: «یکی از مشکلات این بچه‌ها وجود مدارس غیراستاندارد است. در کنار همه مشکلات اکنون این نگرانی وجود دارد که این بچه‌ها از ناحیه مدارس غیراستاندارد هم آسیب ببینند.

کلاسی که کودکان نشکاش در آن درس می‌خوانند با یک بخاری نفتی بسیار قدیمی و غیراستاندارد گرم می‌شود. برای همین تقاضا داریم، نگذارید حادثه شین‌آباد برای این کودکان تکرار شود.» به گفته او در مریوان از سال ۶۲ تا ۸۹ حدود ۴۹۰ نفر در اثر رفتن روی مین کشته و ۱۵۳۰ نفر هم مجروح شده‌اند و تعداد مین‌های کاشته شده در این مناطق مشخص نیست. او در ادامه گفت: «ما می‌خواهیم که بلافاصله کمیسیون ماده ۲ برای این بچه‌ها تشکیل شود و فرآیند درمانی آنها جلدی‌تر دنبال شود.» در ادامه عبدالرسول وصال، مدیرمسئول «شهروند» در این دیدار گفت: «امیدوارم روزی بیاید که ما دیگر گرد غم را بر چهره کردستان و مناطق محروم نبینیم. توجه به مسائل اجتماعی یکی از راهبردهایی است که در جامعه ما بسیار ضروری است. در جامعه ما هرچه تازیان می‌خوریم از سیاسی کردن موضوعات است و کمتر به نتیجه می‌رسیم.» او ادامه داد: «حوزه اجتماعی، حوزه حساسی است و خیلی باید مواظب باشیم که کسی از فعالیت‌های اجتماعی بهره‌برداری سیاسی نکند. مشکلاتی که در مناطق جنگی وجود دارد، ادامه دارد. من زمانی به پاکستان رفته بودم، وقتی از تورمشان می‌پرسیدم، می‌گفتند

عاملش جنگ کشمیر است و... همه را به جنگ ربط می‌دادند. در کشورهای دیگر هم این موضوع وجود دارد. جنگ ما که یک جنگ ۸ساله بوده و بارها زمین‌هایی که الان مردم در آنها زندگی می‌کنند، داده شده و پس گرفته شده و مناطق نامنی‌اند. باید تلاش کرد که جمع‌آوری مین به یک موضوع جدی تبدیل شود.» عثمان مزین، یکی دیگر از وکلای کودکان قربانی مین هم در این دیدار گفت: «قانونی که درباره مین وجود دارد مصوب سال ۶۲ است و اشکالات زیادی بر آن وارد است. بعضی از جوانان در منطقه کردستان انجمن‌هایی را برای آموزش مردم درباره مین تشکیل داده‌اند اما به علت حمایت نشدن از ارگان‌های مسئول به ویژه در ۴سال اخیر، فعالیت‌های آنها تقریباً تعطیل شده است. سال گذشته ما چند انفجار مین در کردستان داشتیم که قربانیانی گرفت. در ۵سال اخیر کمیسیون‌های تعیین درصد در هیچ‌یک از فرمانداری‌های شهرهای کردستان تشکیل نشده و عملاً فعالیت پاکسازی مناطق تعطیل شده است. همه اینها باعث شد که ما بخواهیم درد قربانیان مین را به گوش جامعه برسانیم.» او ادامه داد: «دولت مکلف است امنیت و رفاه را برای شهروندان تأمین کند. در حال حاضر ۶۴ پرونده را کد وجود دارد که کمیسیون برای آنها تشکیل نشده و آنها را به بایگانی فرستاده‌اند.»

برهان کریمی، پدر گشین که مع پای راستش را حالا ندارد در گفت‌وگو با «شهروند» درباره وضع او می‌گوید: «این بچه‌ها همه‌شان ناقص شده‌اند. اگر گشین به داخل پایگاه رفته بود و پایش را از دست می‌داد، من دلم نمی‌سوخت و می‌گفتم بی‌احتیاطی کرده ولی او در حال بازی نزدیک خانه‌مان بود که این اتفاق برایش افتاد. او دیشب برای من می‌گفت که من آن روز را در خواب می‌بینم که آن روز که زیر درخت گردو، مین

منفجر شد، به اندازه‌ای به سمت بالا پرت شدم که سرم به شاخه درخت گرده خورد. شاخه آن درخت خیلی بلند است، حداقل دو متر می‌شود. گشین در خواب پایش را به زمین می‌کوبد و بسیار بدخواب است. او در ضمیر ناخودآگاهش از طبیعت و هرچه باعث این حادثه شده، انتقام می‌گیرد. پروتز پایش عوض شده اما خوب نیست. پایش درد می‌کند، زیر پایش عفونت کرده و ساق پایش باریک‌تر شده است. گشین الان پنجم ابتدایی است ولی درسش اصلاً خوب نیست.» به گفته او حالا ۲هفته می‌شود که بنیاد شهید دفترچه درمانی به بچه‌ها داده، بنیاد شهید حالا برای کودکان نشکاش درصد مجروحیت تعیین کرده؛ برای گشین ۳۰ و برای آلا ۴۰ درصد. برای ۴نفر دیگر هم ۵ درصد مجروحیت تعیین کرده‌اند. با این‌که این کودکان بیمه شده‌اند اما هنوز روند درمانیشان شروع نشده و به همین دلیل پزشکان بیمارستان نورافشار برای درمان آنها اعلام آمادگی کرده‌اند. سینا دژاهنگ ۶ساله است و در شکم و پایش ترکش دارد و گوش چپش کم‌شنو است. آلا روینا ۵سال دارد و بعد از انفجار مین، چشم راستش تقریباً نابینا شده و قرار است در بیمارستان فوق‌تخصصی هلال‌احمر در تهرانپارس جراحی شود. زانا پا، کلاس هفتم است، در سر و بدنش ترکش‌های زیادی از مین جامانده و گوش راستش کر شده است. بنیاد شهید حالا برای او ۵ درصد جانبازی تعیین شده کرده است. خبات کریمی کلاس پنجم است و چشم چپش در اثر انفجار مین کم‌بینا شده و فقط تا ۲متری‌اش را می‌تواند ببیند و حالا قرار است برای درآوردن ترکش‌ها از بدنش در بیمارستان نورافشار بستری شود. بهنوش ضیایی مقدم هم یکی دیگر از کودکان قربانی مین روستای نشکاش است که ترکش‌های زیادی در دست و صورت و شکمش جا مانده و نیاز به جراحی دارد. سایت پارسینه به نقل از شهروند

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!